

اشاره
پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی
در ایران، تاکنون اسنادی متعدد درباره
تبیین سازوکارهای توسعه تدوین
شده است که هر یک از منظری رویکرد
پرداخت موضوع را مد نظر قرار داده‌اند.
این مقاله سعی دارد تا ضمن واکاوی
مهم‌ترین عناصر توسعه‌یافتگی در
کشور، تجزیه و تحلیلی منصفانه بر
وضع موجود و چشم‌انداز آینده در حد
خود ارائه کند. بدیهی است مطالب تهیه
و تبیین‌شده در این مقاله جستاری
در باره رسالت رسانه ملی و رادیو
در تولید برنامه‌های تخصص‌محور و
واکاوی چالش‌ها و فرصت‌های فراروی
کشور است.

تجزیه و تحلیل ملاحظات توسعه‌یافتگی در کشور

افشین اوحدی

مدرس دانشگاه و برنامه‌ساز رادیو اقتصاد



امروزه با رشد قابل ملاحظه جمعیت جوان در کشورمان روبه‌رو هستیم؛ به گونه‌ای که بر طبق آخرین اطلاعات و آمار این جمعیت از ۵۰ درصد به حدود ۶۰ درصد رسیده است. در این میان، البته رشد کیفیت زندگی بنا به بهبود عناصر بهداشتی و آموزشی و امکانات رفاهی نظیر آب و برق و گاز و تلفن و شبکه‌های اینترنت مؤثر بوده است. نیاز راهبردی هر کشور، توزیع درآمد مناسب، و همچنین امنیت و رفاه اجتماعی و اقتصادی است. اشتغال بهره‌ور در ارتباط پیوسته با کاربرد فناوری و همچنین، افزایش درآمد سرانه قرار دارد که آن نیز در ارتباطی مستقیم با توسعه فناوری است. توسعه پایدار ملی مستلزم نهادینه‌شدن بخش خصوصی در فعالیت‌هاست.

فضای امروزی کسب و کار کشور تعریفی مناسب از محصولات فکرافزایی ندارد. شرایط کنونی کشور، تسلط غالب تصدی‌گری دولتی و سهم ناچیز تصدی‌گری بخش خصوصی در این فضا است. اساساً «اعتماد» و «اطمینان» دولت نسبت به تقویت نهادهای مدنی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. در شرایط کنونی، توزیع مناسب و موزونی از فناوری‌ها در کشور وجود ندارد. رویکرد توسعه‌ای با مینا قرار دادن سرمایه‌های انسانی در کشور مهجور و مغفول مانده است. امروزه در گستره جهان به‌ویژه در کشورهای دارای برنامه، توسعه مبتنی بر نظام دانایی شکل گرفته است. در این راستا، شکل‌گیری دانشگاه‌های

کارآفرین در اولویت‌های کاربردی و راهبردی قرار گرفته است. آنچه در شرایط کنونی جامعه به منزله گام اساسی در مسیر رفع چالش‌های فراوری مطرح است، انتظام بازار با رویکرد حفظ منافع بخش خصوصی به‌عنوان عامل اشتغال مولد و بازارساز و توسعه‌دهنده فضای اقتصادی کشور است. به‌علاوه، ارتقای فرهنگ و آگاهی مشتریان در خصوص ماهیت و ارزش محصولات فکرافزار و مطرح‌شدن سرمایه‌گذاری و کسب و کوشش در بخش فکرافزار به‌صورت رقابت سالم و سازنده و ضابطه‌مند و ارزش‌افزای و حمایت‌سازنده از فعالیت‌های نهادهای مدنی در کلاس جهانی و دادوستدهای به‌هم‌پیوسته و تعاملی و ارتباطات سازنده مراکز تحقیقاتی در راستای تقویت و غنی‌سازی بخش خصوصی رمز توسعه‌یافتگی است. توسعه اقتصادی کشور مستلزم درک صحیح از این موضوع است که پیمانکاران بخش خصوصی به واقع همکاران راهبردی دولت در نیل به اهداف کلان هستند.

ابهام کنونی در فضای رشد پایدار در کشور زاییده نبود شفافیت لازم در فهم منافع مشترک و تسری دیدگاه‌های همکاری متقابل است.

درک و دید راهبردی از مفاهیم مدیریت ارتباط با مشتریان و مدیریت توسعه منابع انسانی و دولت الکترونیک و تدارکات الکترونیک و پشتیبانی یا تأمین الکترونیک ابزار ضروری در این مسیر به شمار می‌آیند. لزوم توجه به مدون‌سازی برنامه‌های

بلندمدت توسعه به‌صورت استاندارد باید در فکر همه برنامه‌سازان و برنامه‌ریزان در گستره ملی نهادینه شود. امروزه در دنیا پهنه ارتباطات و رسانه‌های جدید بیش از ۷۰ درصد عناصر رشد ناخالص ملی را به خود اختصاص داده‌اند.

برآورد اشتغال نیروی انسانی در سرتاسر جهان در دهه ۲۰۴۰ میلادی حاکی از سهم غالب بخش خدمات به بالغ بر ۹۰ درصد است. مطالعه‌ای بر روی وضعیت توزیع نیروی انسانی ماهر در کشورهای هند و مالزی به‌عنوان نمونه حاکی از سهم قابل توجه بازار نرم‌افزار در این دو کشور است. آمارها حکایت از آن دارد که در سال ۲۰۱۰ میلادی میزان کل سرمایه‌گذاری در جهان به ۴۰۰ هزار میلیارد دلار بالغ شده که ۶۰ درصد آن در حوزه خدمات بوده است. البته در کشور ما نیز درست بر مبنای همین رخدادهای برنامه راهبری تکفا (توسعه کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات) رقم خورد که اساس آن، توسعه و گسترش کاربرد فناوری موضوعه در عرصه‌های مختلف و متنوع اعم از دولت (دولت الکترونیک)، آموزش و پرورش (توسعه مهارت‌های دیجیتالی نیروی انسانی)، نظام آموزش عالی و بهداشت و درمان، خدمات اجتماعی، بازار، فرهنگ و هنر و پارک‌های علم و فناوری بوده است. درحقیقت روح این برنامه ملی تأکید بر توسعه بخش خصوصی و شفاف‌سازی جریان اطلاعات بود. بر اساس مطالعات و مقایسات تطبیقی در میان کشورهای مختلف جهان با میزان

فضای امروزی کسب و کار کشور تعریفی مناسب از محصولات فکرافزایی ندارد. شرایط کنونی کشور، تسلط غالب تصدی‌گری دولتی و سهم ناچیز تصدی‌گری بخش خصوصی در این فضا است. اساساً «اعتماد» و «اطمینان» دولت نسبت به تقویت نهادهای مدنی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

متفاوت توسعه‌یافتگی، میزان بازگشت سرمایه به درصد در خصوص تحقیق و توسعه به میزان بسیار معناداری بیش از سایر فعالیت‌هاست.

کشور ایران از نظر درصد منابع طبیعی در مقام مقایسه با سایر کشورها موقعیت ممتازی دارد، اما به دلیل بهره‌وری پایین نیروی کار و سرمایه طبعاً نقش آن در تولید ناخالص ملی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با چالش مواجه است. امروزه کشوری پیشرفته به حساب می‌آید که از یک رشد توسعه‌ای متوازن در ابعاد اجتماعی و فناوری اقتصادی و سیاسی به صورت توأمان برخوردار است. به قول داووس، توریسین مشهور توسعه، توسعه اقتصادی بدون توسعه اجتماعی پایدار نیست و توسعه اجتماعی بدون توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست.

حلقه‌های اقتصاد دانایی را تولید دانش و تبدیل به محصول و فروش (بازاریابی) همراه با توجه توأمان ثبت و فروش مالکیت معنوی و تولید و فروش محصولات با دانسیته بالای دانش تشکیل می‌دهند. درست در همین راستاست که شکل‌گیری شرکت‌های مهندسی و فناوری و به اصطلاح SMEها می‌توانند نقشی راهبردی در مسیر توسعه ملی ایفا کنند. ارتباط متعامل و پیوسته این‌گونه شرکت‌ها با پارک‌های علم و فناوری و اساساً جانمایی ایشان در این قالب به‌ویژه در جوار مناطق صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی با سازوکار تسهیل در اجرای ضوابط و مقررات، زمینه‌ساز توسعه بر مبنای اقتصاد دانایی‌محور است. در واقع نقطه قوت SME، ظرفیت رشد سریع و ضریب نفوذ قابل توجه در امر اشتغال‌آفرینی و ضریب تأثیر در توسعه فناوری است. البته در این راستا باید حمایت روان‌بخش دولت از این شرکت‌ها و بنیان‌ها وجود داشته باشد.

نهاد مرکز رشد را می‌توان به یک انکوباتور تشبیه کرد. در حقیقت کارکرد یک انکوباتور به‌منزله محیط تحت کنترل برای پشتیبانی‌های لازم از نمونه و آماده‌سازی آن برای طی مراحل بعدی فرایند عملیاتی

است. مرکز رشد نیز مرکزی است که با در اختیار قراردادن امکانات و خدمات از یک سو و ارائه مشاوره‌های لازم در زمینه‌های مدیریتی از سوی دیگر بسترساز پرورش و توسعه است. در حقیقت ورودی مراکز رشد، شخصیت‌های ایده‌مند و خلاق و خروجی آنها، شخصیت‌های حقوقی عملیاتی و بسان یک تاجر به مفهوم واقعی هستند.

تاریخچه شهرک‌های علمی و تحقیقاتی و پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد در دنیا نیز به دوره توسعه صنعتی و گذار توسعه اقتصادی از کشاورزی به صنعتی بازمی‌گردد. طراحی این شهرک‌ها با ساختار یک شهر کامل تنها برای یک گروه خاص دیده شد. اما با توجه به هزینه‌های سنگین شهرک‌سازی در این قالب، کشورها رویکرد خود را به سوی ساخت پارک‌های علم و فناوری متمرکز کردند. تعریف ارائه‌شده توسط انجمن بین‌المللی پارک‌های علمی (IASP)، پارک‌های فناوری، پارک‌های تحقیقاتی، قطب‌های فناوری و منطبق فناوری را دربر می‌گیرد. بر اساس آمار ارائه‌شده توسط این انجمن شکل‌گیری پارک‌ها در مجموع از روند روبه‌رشد تصاعدی در سرتاسر جهان برخوردار بوده است.

اما در کشور ما تاریخچه شکل‌گیری شهرک‌های علمی و تحقیقاتی و پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد به سال‌های دهه ۱۳۷۰ و عزم وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و شورای گسترش آموزش عالی بازمی‌گردد که البته اجرای بهینه آن با توجه به عدم مطالعه اصولی و عدم تأمین منابع مناسب با سرعت قابل توجه پیش نرفت. در سال ۱۳۷۳ مجتمع عصر انقلاب توسط سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در کیلومتر ۱۰ اتوبان تهران - کرج راه‌اندازی شد که بعدها در مراکز چند استان پارک‌های علم و فناوری شکل گرفتند که عبارت بودند از: خراسان، سمنان، فارس، مرکزی (اراک)، آذربایجان شرقی، گیلان، کرمان و همچنین دماوند

(غیردولتی) و پردیس (نیمه‌دولتی) در دهه ۱۳۸۰.

الگوی مؤسسان مراکز رشد در خارج از کشور با ایران متفاوت بوده است؛ به گونه‌ای که در کشورهای دنیا به ترتیب شرکت‌های خصوصی و حکومت‌های محلی (استانداری‌ها) و مراکز دولتی در این امر دخیل بوده‌اند. اما در کشور ما ترتیب بالعکس را طی کرده است.

موضوع جالب توجه آنکه در ایالات متحده آمریکا ۳۰ درصد رشد اقتصادی مربوط به شرکت‌هایی است که بیش از پنج سال از عمر آنها نمی‌گذرد. هم‌اکنون بیش از ۱۰۰۰ مرکز رشد در حوزه آمریکای شمالی وجود دارند و از تعداد ۳۰۰۰ مرکز رشد در سرتاسر جهان بیش از یک سوم در آمریکا واقع شده‌اند. البته ۶۰ درصد مراکز رشد به خودکفایی رسیده‌اند.

نکته قابل تعمق در خصوص فعالیت مراکز رشد قابلیت اشتغال‌زایی مولد و یا زیایست. نکته بارز حمایتی دولت‌ها از مراکز رشد، ارائه تسهیلات مالیات بر دارایی و تخفیفات و معافیت‌های ویژه است. آنچه در طراحی مراحل رشد یک شرکت فناور مطرح است اینگونه است:

آغاز: توسعه محصول؛
بازاریابی: طراحی بعد از تولید محصول؛
مدیریت توسعه با بازه‌های زمانی ۶ تا ۱۲ ماه.
به‌طور خلاصه می‌توان مراحل مذکور را اینگونه توصیف کرد:

پرورش ایده، مشاوره فنی و اقتصادی و اطلاع‌رسانی: ۶ ماه؛

رشد علمی، حمایت‌های مالی و پشتیبانی‌های مربوط و مشاوره فنی: ۶ ماه؛
تولید محصول، خدمات فنی و تخصصی، مشاوره فنی و جذب سرمایه: ۱۸ ماه؛

بازاریابی، مشاوره بازاریابی و حقوقی و انتظامی: ۶ ماه، و بعد از این بازه زمانی، خروج از مرکز رشد صورت می‌گیرد.

منابع و مآخذ

مجموعه گزارش‌های سازمان بهره‌وری آسیایی (APO).

استاد سازمان ملی بهره‌وری ایران. گزارش‌های UNDP.